

مؤلفه‌های وفاداری در خانواده با معناشناسی تعبیر «میثاق غلیظ» در قرآن

سیدمحمدجواد وزیری^۱

چکیده

با تبلیغ فرهنگ جوامع غربی، خانواده و عنصر مهم وفاداری در معرض تهدید و آسیب جدی قرار گرفته است. در جامعه اسلامی برای پایداری نهاد خانواده توجه به آموزه‌های قرآنی و لزوم کاربری آن در رابطه زناشویی ضروری می‌نماید.

قرآن از ازدواج با تعبیر «میثاق غلیظ» یاد کرده است. بر اساس آن، ازدواج یک تعامل روحی روانی شمرده می‌شود. هم‌چنین ازدواج بر این اساس، پیمان محکمی به شمار می‌رود که باید محبت و انسانیت، محور ارتباط زن و شوهر باشد. قرآن نیز یادآوری خاطرات شیرین میان زن و شوهر را مفید می‌داند. این عوامل می‌تواند از مؤلفه‌های وفاداری در قرآن محسوب شود.

کلیدواژه: میثاق غلیظ، ازدواج، وفاداری، پیوند روحی

۱. مقدمه

با پیشرفت جوامع بشری امید بود، آرامش و آسایش برای افراد ارمغان آورده شود؛ اما امروزه اضطراب و پریشانی روحی دامن گیر جوامع شده است. این از آن روست که آموزه‌های مدرنیته که خارج از چارچوب دین و بر نفسانیت و انسان محوری غیر الهی استوار است، زندگی فرد را از درون تهی کرده و مهم‌ترین رکن جامعه یعنی خانواده که مظهر همبستگی و عطف میان زن و شوهر است، به شدت در معرض آسیب قرار گرفته است. فرهنگ غرب و آموزه‌های فرهنگی آن که توسعه ارضاء و نیاز مادی و لذت طلبی فزون گر است، بنیان خانواده را بیش از پیش به سستی کشانده؛ به گونه‌ای که در رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای به صورت صریح و بی‌پرده خیانت زن و شوهر به یکدیگر در قالب‌های فریبنده تبلیغ می‌شود.

جامعه اسلامی ما نیز در زیر تیغ برندهٔ هجوم روزافزون فرهنگ غرب قرار دارد و رشد هر سالهٔ آمار طلاق، نشان از آسیب دیدگی نهاد خانواده دارد. در جامعه اسلامی که محوریت با دین و آموزه‌های الهی است و مدیریت تحولات اجتماعی را دین بر عهده دارد، باید برای استحکام پیوند زن و شوهر و عدم گسست در خانواده سراغ آموزه‌های دینی رفت. دین می‌خواهد خانواده بستر رشد و کمال و توسعهٔ بندگی خدا باشد و عشق همسران به یکدیگر پلی برای رسیدن به خدا و پرستش او باشد. در جامعه اسلامی برای پاک بودن عنصر خانواده باید ارزش‌های اسلامی حاکم شود و باید با آلوده شدن دامان زن و شوهر به آموزه‌های غربی و گسست خانواده با آگاهی بخشی دینی مبارزه نمود.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین اصل و پشتوانه استحکام خانواده اسلامی و پاک، عنصر «وفاداری» است. در جوامع غربی شکستن وفاداری و اعتماد به یکدیگر در حال فروریختن است و باید توجه داشت، فرهنگ غربی با تحمیل خود بر جامعه اسلامی و با جذابیت‌های شهوانی و فریبنده درصدد فروپاشی اعتماد و عنصر وفاداری است.

در جامعه اسلامی که مدیریت تحولات اجتماعی و پرورش خانواده بر اساس آموزه‌های قرآنی است، وفاداری در خانواده باید عنصر محوری باشد. قرآن با زشت و پست شمردن

مؤلفه‌های وفاداری در خانواده با معناشناسی تعبیر «میثاق غلیظ» در قرآن

خیانت جنسی هر یک از زن و شوهر و زناخواندن آن و قرار دادن مجازات سنگین برای چنین خیانتی، آشکارا از وفاداری میان همسران دفاع نموده است.

قرآن کریم رابطه زن و شوهر را به «میثاق غلیظ» تعبیر کرده است. در این نوشتار معناشناسی این تعبیر و تفسیر قرآنی آن، مؤلفه‌های وفاداری در خانواده مورد بحث واقع می‌شود.

۲. معناشناسی میثاق غلیظ

طی آیاتی که در پی می‌آید، تعبیر «میثاق غلیظ» درباره رابطه زوجیت به کار رفته است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا * وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَ بِبُهْتَانٍ أَثَمًا مُبِينًا * وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء، ۱۹-۲۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوششان نیامد؛ پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد و اگر خواستید همسری [دیگر] به جای همسر [پیشین خود] ستانید، و به یکی از آنان مال فراوانی داده باشید، چیزی از آن را پس مگیرید. آیا می‌خواهید آن [مال] را به بهتان و گناه آشکار بگیرید؟ و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید، و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند؟

اینک به اقوال برخی مفسران قرآن راجع به معنای میثاق غلیظ می‌پردازیم و سپس با توجه به عنصر کلیدی وفاداری در خانواده، از ارتباط میثاق غلیظ با آن سخن می‌گوییم.

در «مجمع البيان في تفسير القرآن» آمده است: "در معنای میثاق غلیظ اقوالی نقل کرده‌اند که از آن جمله است: به نظر ابن سیرین، ضحاک، قتاده و سدی میثاق غلیظ عهدی است که مرد در موقع ازدواج می‌بندد که زن را به نیکی نگهداری کند و به نیکی رهاش سازد؛ ولی به عقیده زید و مجاهد منظور از میثاق غلیظ همان نکاحی است که زن را بر مرد حلال ساخته است؛ اما پیغمبر اکرم (ص) فرمود: منظور این است که ایشان را به عنوان امانت الهی گرفتید و با کلمه خدا بر خویش حلال نمودی" (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص، ۴۲)

در «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی آمده است: "استفهام در این جمله به منظور شگفت‌انگیزی در دیگران است و مصدر «افضاء» که فعل ماضی «افضی» از آن گرفته شده، به معنای چسبیدن است و اصل آن یعنی ثلاثی مجردش «فضا» به معنای وسعت است. از آنجایی که گرفتن مهریه بدون رضایت زن بغی و ظلم است و مورد آن مورد اتصال و اتحاد است، این معنا باعث شد که تعجب کردن از آن صحیح باشد؛ چون این شوهر با زنی که طلاقش داده است، به وسیله ازدواجی که با هم کرده بودند و به خاطر نزدیکی و وصلت که داشتند، مثل شخص واحد شده بودند و آیا ظلم کردن این شوهر به آن همسر که در حقیقت ظلم کردن به خودش است، و مثل این است که به خود آسیب برساند، جای تعجب نیست؟ قطعاً هست، و لذا از در تعجب می‌پرسد، چطور حق او را از او می‌گیری، با اینکه تو و او یک روح در دو بدن بودید و یا به عبارتی دیگر از نظر پیوند دو روح در یک بدن بودید؟ و اما این که فرمود: «وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»، ظاهرش این است که مراد از میثاق غلیظ، همان علقه‌ای است که عقد ازدواج و امثال آن در بین آن دو محکم کرده بود و از لوازم این میثاق، صداق بود که در هنگام عقد معین می‌شود و زن آن را از شوهر طلبکار می‌گردد و ای بسا گفته باشند که مراد از میثاق غلیظ عهدی است که در هنگام عقد از مرد برای زن گرفته می‌شود که مثلاً او را به طور شایسته نگه بدارد و گرنه به طور شایسته طلاق بدهد (همان دستوری که خود خدای تعالی در این باره داده و) فرموده است: «فَأَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» (بقره، ۲۲۹)" (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۵۸)

مؤلفه‌های وفاداری در خانواده با معناشناسی تعبیر «میثاق غلیظ» در قرآن

در «تفسیر أحسن الحدیث» نیز نکته‌ای کوتاه در این باره آمده است: «منظور از «میثاق غلیظ» ظاهراً عقد ازدواج است که مهریه در آن تعیین شده است. غرض از «افضاء» و رسیدن به یکدیگر آن است که زن و مرد مدتی با هم شریک زندگی و همبستر شده و به حکم يك نفر در آمده‌اند، مقتضای این کار آن است که مرد به او ظلم نکند و حقش را بدهد و گرنه از عاطفه انسانی و وفا به عهد به دور است» (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۳۱).

ابن عاشور از دانشمندان بزرگ اهل سنت چنین می‌گوید: «میثاق غلیظ، ارتباط و پیوند به صورت ازدواج است که بر اساس هدفی پاک و از سر اخلاص و پیوستگی مهربانی و الفت برقرار شده است. معنای آیه آن است که با استفهامی تعجب‌گونه می‌پرسد، چگونه دست به این کار می‌زنید با اینکه میان شما مهربانی و محبت بود؟! به عبارت دیگر شما میان یکدیگر، قراردادی نیکو بسته بودید». (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۷۴)

در «تفسیر راهنما» نکاتی درباره این آیه بیان شده است که به برخی آنها اشاره می‌کنیم: «بازپس‌گیری مهریه زنان، دور از انسانیت و خلاف انصاف است؛ توجه به پیوند زناشویی و اتحاد و یگانگی حاصل از آن، مانعی برای اجحاف به همسر و بازپس‌گیری مهریه؛ لزوم توجه و احترام به سوابق معاشرت؛ تحریک عواطف انسانی از روش‌های قرآنی برای جلوگیری از ظلم و گناه؛ لزوم پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها؛ برانگیختن وجدان انسانی از روش‌های قرآن برای ایجاد تعهد نسبت به رعایت پیمان‌های زناشویی؛ عقد نکاح، پیمان استواری که زن از مرد گرفته است؛ زندگی پسندیده با همسر یا آزاد گذاردن وی با رفتار نیک، پیمان برگرفته زن از مرد به هنگام ازدواج» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۳۲۶).

در پایان اقوال مفسران به ذکر سخن قابل توجه علامه مغنیه در «تفسیر کاشف» می‌پردازیم که از ازدواج به «تعاملی روحی روانی» یاد می‌کند. او می‌نویسد: «خداوند عقد ازدواج را با الفاظی مشخص کرده است که در قرآن آمده و تعبد به این الفاظ را همانند الفاظ عبادات، واجب قرار داده است. همچنین قداستی را که به عقد ازدواج بخشیده، به هیچ یک از عقود دیگر نظیر بیع و اجاره نداده است؛ چرا که عقد بیع، مبادله مال است با مالی دیگر؛ اما عقد ازدواج مبادله روح است با روحی دیگر و عقد آن، عقد رحمت و مودت است، نه عقد

تملیک جسم در برابر مال. فقها گفته‌اند: عقد ازدواج به عبادات نزدیک‌تر است تا به معاملات و مبادلات. از همین روست که عقد ازدواج را به نام خدا و کتاب خدا و سنت رسول جاری می‌کنند. شیخ محمود شلتوت گفته‌است: وقتی ما به عظمت عقد ازدواج که در قرآن آن را «ميثاق» نامیده است، پی می‌بریم که توجه کنیم، واژه «ميثاق» در قرآن، بیانگر رابطه میان خدا و بندگانش در مورد اعتقاد به توحید و التزام به احکام الهی است و نیز بیانگر رابطه میان یک دولت و دولتی دیگر درباره کارهای عمومی و بزرگ است. ميثاق در هیچ جا از قرآن به «غلیظ» وصف نشده‌است، مگر در عقد ازدواج. این، اهمیت عقد ازدواج را برای ما دوچندان می‌کند. به این وسیله در می‌یابیم، قرآن برای عقد ازدواج، از همه مواردی که واژه ميثاق را به کار برده، اهمیت بیشتری قائل است" (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۸۳).

پیش از آنکه از زاویه معنایی ميثاق غلیظ و رهیافت قرآنی به مؤلفه‌های وفاداری میان زن و شوهر و استحکام نهاد خانواده بپردازیم، مناسب به نظر می‌رسد، به عوامل گسست و نبود وفاداری و خیانت اشاره گردد تا پس از آن به راه حل قرآنی برای وفاداری برسیم.

۳. عوامل گسست وفاداری میان همسران

برخی از مهم‌ترین عوامل گسست وفاداری میان همسران از قراری است که در پی می‌آید.

۳.۱. تعریف نادرست از ازدواج

یکی از مهم‌ترین عوامل سستی وفاداری و به خیانت کشیده شدن آن، تعریف نادرست از ازدواج باشد. وقتی ازدواج امری اجباری که برای ادامه زندگی، گریزی از آن نیست، تعریف شود، با کوچک‌ترین بهانه یا اتفاقی ناخوشایند به جدایی و از بین رفتن وفاداری منجر می‌شود.

اگر ازدواج فقط بستری برای ارضاء نیاز مادی و جواب‌گویی به نیازهای شهوانی باشد، همواره مرد و زن خود را در معرض تهدید می‌بینند و برای وفادار ماندن و دوری از حس «تنوع

مؤلفه‌های وفاداری در خانواده با معناشناسی تعبیر «میناق غلیظ» در قرآن

طلبی جنسی» باید فشار زیادی را تحمل نمایند. در کتاب‌ها و حتی سایت‌های اینترنتی گوناگونی که به امر ازدواج می‌پردازند، از این حس تنوع طلبی بسیار گفته‌اند و آن را عاملی برای خیانت می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد، این حس وقتی غلیان می‌کند که تعریف درستی از ازدواج نداشته باشیم. تعریف درست ازدواج در گرو داشتن هدفی بلند برای ازدواج است که بتواند به راحتی عنصر وفاداری را حفظ کند.

۲.۳. توجه نکردن همسران به نیازهای روحی یکدیگر

یکی از راه‌هایی که می‌تواند جلوی بسیاری از بی‌وفایی‌ها را بگیرد، این است که به نیازهای روحی، عاطفی، عشقی همسر خود از هر نظر توجه نمایید و در رفع آن تلاش کنید؛ زیرا اگر زن یا مردی نیازهای خود را در کنار همسرش برآورده نکند، ممکن است برای رفع آن به سمت افراد دیگر گرایش پیدا کند؛ لذا توجه به خواسته‌های یکدیگر از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند از بسیاری لغزش‌ها جلوگیری نماید.

بسیاری از افراد دلیل خیانت خود را عدم تفاهم با همسر ذکر می‌کنند؛ اما خیانت کردن چه پنهانی چه آشکار هیچ توجیهی ندارد و زن و مرد باید به روشنی نیاز جنسی خود را به زبان بیاورند و در رفع آن نیاز بکوشند و در صورت به زبان آوردن نیاز جنسی، اگر باز هم از همسر خود بی‌توجهی دیدند، ادعا کنند از جانب همسر درک نمی‌شوند.

به علاوه، سعی شود، نیازها بر اساس توانایی‌ها و شرایط خانوادگی و زندگی باشد و از بلندپروازی و خواسته‌های نامعقول پرهیز شود و باید شرایط را برای برآورده شدن خواسته‌ها مهیا نمود. در نهایت اگر تفاهم و درک متقابل حاصل نشد، می‌توان از نظر قانونی تعهد خود را با طلاق ملغی نمود و با ازدواج دیگری به تأمین نیاز جنسی پرداخت. اگر کسی همسر خود را مناسب نمی‌بیند، باید ابتدا جدا شوند و بعد از اتمام تعهدات خود به سراغ همسر دیگری بروند.

هر چند طلاق، امری ناپسند است، ولی خیانت کردن بسیار زشت‌تر و قبیح‌تر است؛ زیرا هیچ زن یا مردی دوست ندارد در چهارچوب قوانین و تعهدات خانواده خود به صورت آشکار

یا پنهان، دیگری را حتی برای لحظه‌ای وارد سازد. پس باید به چارچوب خانواده احترام گذاشت و قداست و پاکی آن را حفظ نمود.

۳.۳. دوری از اخلاق‌مداری و فضیلت‌مداری در خانواده

بسیاری از عواملی که حتی برای خیانت زن و دوری او از وفاداری ذکر می‌شود، حاکی از آن است که رابطه میان زن و شوهر خارج از فضیلت‌مداری است. به عبارت دیگر، در واقع برخی از امور خود، معلول علتی مهم‌تر هستند. اگر یک نگاه مادی و ماشینی بر زندگی حاکم شود، نبود وفاداری در عواملی چون بی‌توجهی به آرایش زن و هم‌صحبت نشدن با وی خلاصه می‌شود. در صورتی که اگر رابطه زناشویی بر اساس اخلاق و فضیلت‌های اخلاقی و دینی باشد، بسیاری از امور رنگ می‌بازد. یعنی حتی عدم هم‌صحبتی هم نمی‌تواند، توجیهی برای خیانت به خانواده باشد.

نویسنده‌ای بدون توجه به عامل اصلی دوری از اخلاق‌مداری، عوامل خیانت زن را چنین برمی‌شمارند: "۱- از نظر مالی به اندازه کافی تأمین نشود؛ ۲- به دلایلی چون، عدم هم‌صحبتی و وقت نگذاشتن همسرش برای وی، نیازهای عاطفی خود را از دید مردش نادیده انگارد؛ ۳- روابط همسرش با وی صمیمی نباشد؛ ۴- از نظر زناشویی و جنسی، ارضا نشود؛ ۵- تنهایی مطلق و حس بی‌کسی در منزل؛ ۶- عدم بروز احساسات مرد نسبت به مزیت‌های همسرش، مثل، زیبایی، تغییرات ظاهری و ..، در این حال زن احساس بی‌ارزشی می‌کند؛ ۷- در صورت اعتیاد مرد به الکل یا اعمال خشونت و بددهنی؛ ۸- در صورت اطمینان از خیانت مرد؛ ۹- عدم درک عواطف و آرزوهای زن؛ ۱۰- در صورتی که مرد، همسر خود را خانه نشین یا از شرکت در جمع منع نماید؛ ۱۱- نقص عضو یا اختلال در ارتباط جنسی یا دیگر اعضاء بدن". (آریافر، سایت روانشناسی - <http://www.parvazkon.com/afamily/489-womkhian.html>)

این نویسنده بر اساس استقرا و تجربه یک زندگی مادی، عوامل برون‌رفت از وفاداری را برشمرده است. به نظر می‌رسد، اگر زندگی و رابطه زناشویی بر اخلاق و فضیلت مبتنی باشد،

مؤلفه‌های وفاداری در خانواده با معناشناسی تعبیر «میثاق غلیظ» در قرآن

هیچ‌یک از این عوامل رخ نمی‌دهد. نویسنده هیچ اشاره‌ای نمی‌کند که این عوامل را چگونه می‌توان از نهاد خانواده زدود تا همسر به خیانت آلوده نشود. چنان می‌نماید که دین ما را بدین نکته بنیادین رهنمون می‌سازد که با اخلاق‌مداری می‌توان با آرامش، استحکام وفاداری را رقم زد و از ناپاکی‌ها و رذایل اخلاقی که باعث خیانت و از بین رفتن وفاداری می‌شود، جلوگیری نمود.

۴. مؤلفه‌های وفاداری در آموزه‌های قرآنی

آنچه در این نوشتار برآیند، تنها تحلیل عنصر کلیدی وفاداری در خانواده بر اساس «میثاق غلیظ» است. بر اساس تفاسیری که در زمینه تعبیر «میثاق غلیظ» گذشت، می‌توان مؤلفه‌هایی را برای استحکام وفاداری و جلوگیری از سست شدن بنیان خانواده و دور داشتن همسران از خیانت برشمرد که در ذیل می‌آید.

۴.۱. درک صحیح از هدف ازدواج

تعبیر «میثاق غلیظ» می‌فهماند، ازدواج، یک قرارداد معنوی است که دو روح را به هم پیوند می‌دهد و محور نهاد خانواده را تشکیل می‌دهد. هدف ازدواج این نیست که تنها امیال جنسی یا عقده‌های عاطفی یا کمبودهای احساسی فروکاسته شود؛ بلکه رشد معنوی و برآوردن نیازهای روحی و رسیدن به سکینه الهی است.

بر این اساس، اگر زن و شوهر با چنین شناختی، تن به ازدواج دهند و آن را یک امر جبری دنیوی نبینند، برای تکامل روحی خویش هر چه بیشتر تلاش خواهند کرد. زن و شوهر با این هدف، نیازهای مادی و بی‌توجهی‌های ظاهری را بهانه عدم وفاداری و خیانت قرار نمی‌دهند و برای آنها آنچه مهم به شمار می‌رود، تکامل روحی و معنوی است. وقتی زن و شوهر به دنبال تکامل روحی و رفع نقیصه‌های اخلاقی باشند و ازدواج را بستر رشد فضیلت‌های اخلاقی ببینند، در نظر آنها مشکلات مادی و دغدغه‌های ظاهری، کوچک و

خُرد دانسته خواهد شد. این نگاه، عنصر وفاداری را رشد خواهد داد و سبب خواهد شد، زن و شوهر حتی لحظه‌ای به فکر خیانت به همپای خود در حرکت معنوی نباشد.

آیه مورد بحث به ما به روشنی می‌گوید، بر اثر ازدواج که پیوند دو روح است، میان زن و شوهر نوعی هم‌بستگی و اتحاد روحی حاصل می‌شود که خیانت هر یک به دیگری در واقع خیانت به خود شخص است و اول اوست که دچار خسارت و نابودی می‌شود. وفاداری وقتی رشد می‌کند و نهاد خانواده گرم و پابرجا می‌ماند که همیشه این اتحاد و یگانگی روحی میان زن و شوهر وجود داشته باشد. این یگانگی وقتی اتفاق خواهد افتاد که ازدواج، پیوند دو روح دانسته شود؛ نه هم جواری دو جسم!

۲.۴. محکم بودن پیمان ازدواج

غلیظ بودن میثاق در قرآن فقط برای عقد ازدواج آمده است. قراد داد محکم و پیوند استوار ازدواج هیچ‌گاه نباید مورد غفلت همسران واقع شود و نباید دست به عملی زد که این پیوند استوار را به سستی کشاند. این قرارداد محکم، تعهداتی را برای انسان ایجاد می‌کند؛ چنان که هر قراردادی در زندگی انسان، برای وی تعهدات و الزامات و مسئولیت‌هایی فراهم می‌کند. با توجه به آنکه مهم‌ترین و سرنوشت‌ساز ترین قرارداد در زندگی هر انسانی ازدواج است، تعهدات آن نیز اهمیت بسزایی پیدا می‌کند.

در این قرارداد محکم، تعهدات به روح آدمی پیوند می‌خورد و در اخلاق و رفتار انسانی تأثیر می‌گذارد. زن و شوهر بر اساس پیمانی که میان خود می‌بندند، اول باید بدانند، اساس این پیوند بر پایه‌ای سست بنیان نشود و پس از آن هم تمام تلاش آنها بر آن باشد که این پیوند هیچ‌گاه به سستی نگراید.

بنابراین بر اساس آموزه قرآن، ازدواج پیمانی محکم و پیوندی استوار است که نباید با خیانت گسسته شود. دیگر آنکه ازدواج بر اساس قراردادی روحی، تعهدات و الزاماتی را برای هر دو نفر یعنی زن و شوهر قرار می‌دهد که نتیجه تمامی این تعهدات وفاداری میان همسران

مؤلفه‌های وفاداری در خانواده با معناشناسی تعبیر «میناق غلیظ» در قرآن

است. اگر ازدواج بر بنیان محکم و استوار بنا شود و پس از آن هم تلاش شود، هرچه بیشتر این پیوند مستحکم یابد، هیچ‌گاه زن و شوهر به خیانت کشیده نمی‌شوند. در تمدن غربی که ازدواج‌ها بیشتر بر اساس عشق‌هایی زودگذر یا امری جبری نگریده می‌شود و تنها برای پرکردن تنهایی و پاسخ به نیاز جنسی ازدواج صورت می‌گیرد، با پیوندی ناستوار روبرو هستیم.

۳.۴. ارتباط زناشویی بر محور محبت

قرآن با شگفتی می‌پرسد، چگونه ممکن است، مردی که باید همواره به همسر خویش محبت داشته‌باشد، عرصه را بر وی سخت کند و حتی از عمل زشت تهمت زدن استفاده کند تا رابطه آن‌ها به جدایی بکشد و مرد با ظلم و فریب‌کاری مهریه همسر خویش را به طور کامل نپردازد. در قرآن، ظلم که عملی برخلاف وجدان انسانی است، به شدت نهی و نکوهش شده است. در این آیه نیز قرآن نهیب می‌زند و با انکار و تعجب می‌پرسد، چگونه رابطه مرد با زن که باید بر اساس محبت و انسانیت باشد، مرد این‌گونه وجدان خود را زیر پا می‌گذارد و به او ظلم روا می‌دارد؟!

هر کاری که رابطه محبت و مهربانی را میان زن و شوهر خدشه دار می‌کند، باید ترک شود. زن و شوهر باید ببینند، فکر و خیالی که در نظر می‌آورند یا پنهانی دست به عملی می‌زنند، آیا با فطرت انسانی آنها سازگاری دارد یا خیر؟ در نظر گرفتن هماهنگی کارها و افکار با فطرت انسانی می‌تواند پایه‌های وفاداری را استحکام بخشد. پرسش قرآن که بیان می‌دارد «و کیف تأخذونه» در حقیقت سؤال از فطرت انسانی است.

۴.۴. یادآوری خاطرات شیرین

عبارت "و كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ" (و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید)، اشاره‌ای لطیف بدین مطلب دارد که وقتی شوهری با خشونت روحی می‌خواهد همسرش را وادار نماید تا مهریه را به او ببخشد، به یاد آورد، او همسر و

در فصلنامه پژوهش‌های تحریک‌تفسیری، سال ۱۳۹۵، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۴

شریک زندگی اوست که در کنار یکدیگر با خوشی و مهربانی زندگی کرده‌اند و چنان به یکدیگر نزدیک بوده‌اند که گویی دو جسم با یک روح هستند.

بنابراین قرآن می‌گوید، زوجین قبل از فکر کردن به جدایی و بزرگ کردن چالش‌ها یک‌بار دیگر خاطرات شیرین که مملو از مهربانی و انس و دلسوزی بود، یاد آور شوند. مرور خاطره‌های شیرین عشق و محبت گذشته را تجدید می‌کند و مانع خیانت یا حتی جدایی قانونی می‌گردد و تفاهم و گذشت و فداکاری را در پی می‌آورد.

۵. نتایج

قرآن از ازدواج یا رابطه‌ی میان زن و شوهر به «میثاق غلیظ» یاد کرده‌است. میثاق غلیظ، حاکی از پیوند روحی میان زن و شوهر است. بر اساس این تعبیر می‌توان مؤلفه‌هایی را برای وفاداری و کشیده نشدن همسران به خیانت برشمرد. هدف ازدواج بر اساس آیه مذکور، تعاملی روحی به شمار می‌رود و پیمان محکمی معرفی شده‌است. هم چنین رابطه زناشویی بر اساس محبت و مودت و انسانیت و یادآوری خاطرات شیرین و در مجموع این چهار مؤلفه می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد وفاداری و پایدار بودن آن در خانواده بیخشد.

۶. منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر. التحرير والتنوير. مؤسسة التاريخ العربي بيروت، ۱۴۲۰ ق
- ۳- قرشی، سید علی اکبر. تفسیر أحسن الحديث. بنیاد بعثت، تهران: ۱۳۷۷.
- ۴- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۷ق.
- ۵- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲.
- ۶- مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۴۲۴ق.
- ۷- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۷۱.
- ۸- سایت رسمی مهدی آریافر: www.parvazkon.com